

خوش آمدید خوب مجمعی است الحمد لله وجوه منجذب بملکوت ابھی رویها متوجّه باسماں است قلوب ما مستبشر به بشارات الله خوب مجلسی است خوب مجلسی است امشب می‌خواهم که صحبت از خصایص تعالیم بهاءالله بدارم جمیع تعالیمی که از پیش در ظهور مظاهر مقدّسه قبل داده شده در مظهر بهاءالله هست اما تعالیم جدیدی هست که در هیچ کتابی نیست بعضی‌ها من می‌گویم ما بقی را خود استنباط از الواح بهاءالله بکنید زیرا تعالیم جدید بهاءالله بسیار است اگر لوح کلمات مکنونه را بخوانید ملاحظه می‌کنید که هر فقره از آن فقرات تعلیمی است الواح لوح بشارات تعالیم مخصوصه دارد لوح کلمات تعالیم مخصوصه دارد لوح تجلیات تعالیم مخصوصه دارد و هم‌چنین سایر الواح بهاءالله هر یک تعالیم جدیدی دارد که در هیچ کتبی و صحفی نیست و هم‌چنین در کتاب اقدس تعالیم جدیدی دارد که در هیچ کتبی نیست آنها را که مطالعه می‌کنید واقف می‌شوید حالا من بعضی‌ها را ذکر می‌کنم

مثلاً وحدت عالم انسانی این از جمله تعالیم بهاءالله است که عالم بشر را خطاب می‌فرماید که جمیع برگ یک دارید و بار یکشاخسار یعنی عالم وجود عبارت از یک شجره است و ملل و طوایف بمنزله اغصان و فروع و افراد بشر بمنزله شکوفه و ثمر وحدت عالم انسانی را اعلان کرد زیرا در جمیع کتب و صحف عالم انسانی منقسم بدو قسم بود یک شجره طیبه و یک شجره خبیثه یک قوم اهل ایمان و یک قوم اهل زندقه و کفر یک حزب در رحمت پروردگار و یک حزب دیگر در غضب پروردگار اما حضرت بهاءالله اعلان وحدت عالم انسانی را کرد و این تخصیص بتعالیم بهاءالله دارد که جمیع بشر را در بحر رحمت پروردگار غرق کرد نهایتش این است بعضی خوانند باید بیدار شوند بیمارند باید معالجه شوند طفلند باید تربیت شوند خلاصه این تعلیم تخصیص به حضرت بهاءالله دارد

ثانی تحرّی حقیقت هیچ نفسی نباید تقلید آبا و اجداد را بکند باید تحرّی حقیقت کند باید بدیده خود به‌بند بگوش خود بشنود تا کشف حقیقت بکند اما دین آبا و اجداد اینها تقالید است اما انسان باید تحرّی حقیقت بکند این تخصیص به تعالیم بهاءالله دارد

ثالث اینکه اساس ادیان الهی یکی است و آن حقیقت است و حقیقت یکی است و تعدّد قبول نمی‌کند این تخصیص به بهاءالله دارد

رابعاً اینکه دین باید سبب الفت و محبّت و اتّفاق و اتّحاد باشد اگر دین سبب کلفت شود و سبب تفریق شود و سبب عداوات شود بیدینی بهتر از دین است و این تخصیص ببهاءالله دارد

خامس اینکه دین باید مطابق عقل و علم باشد اگر این دین مطابق عقل و علم نباشد این اوهام است این تخصیص به بهاءالله است تا بحال چنین بود که انسان باید قبول کند ولو آنکه عقل و علم قبول نکند سادس اینکه مساوات بین رجال و نسا است این تخصیص به تعالیم بهاءالله است والا در جمیع ادیان رجال مقدّم بر نسا هستند

سابعاً اینکه تعصّب دینی تعصّب مذهبی تعصّب جنسی تعصّب وطنی هادم عالم انسانی است عالم انسانی باید از این تعقّیّات نجات یابد تا وحدت عالم انسانی جلوه نماید

ثامن صلح عمومی است که باید جمیع دول و ملل صلح کنند صلح عمومی بین دول صلح عمومی بین ادیان صلح عمومی بین اجناس صلح عمومی بین اقالیم و این از خصایص تعالیم بهاءالله است

تاسعاً جمیع نفوس باید از علم و عرفان بهره و نصیب داشته باشند و این از فرایض دینیّه است و این از خصایص تعالیم بهاءالله است

دهم مسئله اقتصاد است که اقتصاد در هیچ یک از کتب دینیّه نیست و در تعالیم بهاءالله مسئله اقتصاد منحل شده است

یازدهم مجلس بیت العدل است که هم صفت سیاسی دارد و هم صفت دینی دارد جامع جهتین است و در تحت عصمت جمال مبارک است هر وقت که مجلس بیت العدل عمومی تشکیل شود آنچه بگوید صحیح است در میان تعالیم مبارک کسی مخالفت آنرا نمی کند اما آن بیت العدلی است که از عموم عالم انتخاب شده است که جمیع خلق در ظل آن باشد و آن اختصاصی که در دین بهاءالله است مسئله میثاق است بجهت اینکه اختلاف ابداً نماند کسی نتواند یک مذهب جدیدی ایجاد بکند میثاق و عهد گرفته است میین را بیان کرده است تا کسی نتواند بگوید که من از کلمات بهاءالله چنین استنباط کرده ام یک مذهبی ایجاد بکند این کتاب عهدیست این است که در دین بهاءالله ممکن نیست که اختلاف حاصل شود اگر بخواهد از خودی خود یک کلمه بگوید رسوا می شود

ملتفت این باشید مبادا کسی سرّاً زمزمه بکند بعضی اهل غرض نفسانی هستند که اینها مقاصد خود را روشن نمی گویند خفیه یک مطلبی تشکیک می کنند یا ستایش نفسی را می کنند که فلانکس چنین است عالم است فاضل است در نزد جمال مبارک بسیار مقرب بوده است سرّاً اینها را می گوید در اطاق می برد تنها می گوید بیدار باشید حضرت مسیح می فرماید کسی چراغ را در زیر حصیر نمی گذارد مقصد این است بعضی نفوس بتوهم می افتند که رخنه بکنند بسیار مواظب باشید که کسی رخنه نکند وحدت بهائی را بهم نزند الحمد لله جمال مبارک چیزی نگذاشت هر چیزی را بیان فرمود ابداً محلّ رخنه نگذاشت برای مردم لکن بعضی نفوس هستند که مجرد بجهت غرض نفسانی شاید رخنه بکنند هر کسی هر چه می گوید مثلاً توصیف نفسی را می کند بگویند که برهان بیاور اثری از قلم میثاق بیاور والا ما نمی توانیم گوش بحرف هر کسی بدهیم تو امروز کسی را دوست داری ستایش از او می کنی فردا یکی دیگری را دوست می داری او را تعریف می کنی ما گوش باین حرفها نمی دهیم کو سند تو کو اثر قلم میثاق مقصد این است که دین الله را حفظ بکنید نه کسی ظاهراً بتواند نه باطناً رخنه بکند اگر از نفسی اعمالی ناشایسته می بینید هر کسی می خواهد باشد ولو پسر من باشد بدانید که من از او بیزارم هر کسی را که می بینید مخالف میثاق حرفی می زند ولو پسر من باشد بدانید که من از او بیزارم هر کسی دروغ بگوید بدانید من از او بیزارم هر کسی طمع دنیا بدارد و میل باموال دارد و نظرش بدست ناس است بدانید که من از او بیزارم هر کسی را به بینید که بموجب تعالیم جمال مبارک عمل می کند بموجب کلمات مکنونه عمل می کند بدانید او تعلق بمن دارد بدانید تعلق بجمال مبارک دارد اگر به بینید نفسی اعمالش و اطوارش مطابق جمال مبارک نیست مطابق کلمات مکنونه نیست این میزان است هر کسی دیدید مخالف آن است بدانید من از او بیزارم هر کسی می خواهد باشد

باری مقصد این است که تعالیم بهاءالله بسیار است اگر من تا صبح صحبت بدارم تمام نمی شود بعضی ها را بیان کردم شما بعضی دیگر را در آثار بهاءالله بخوانید مطلع می شوید مقصد این است که بعضی سؤال می کنند که بهاءالله چه تعالیمی آورده است این تعالیم جدید است که بهاءالله آورده است و دعا می کنم که خدا شما را موفق بعمل بکند و دعا می کنم که شما را تأیید بکند تا بموجب تعالیم بهاءالله عمل بکنید و علیکم بهاء الابهی

آخرین ویراستاری: ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۳ ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر